

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تصویرگری دین‌ادیان ابراهیم

(یهودیت، مسیحیت، اسلام)



سرشناسه: عباسی، مؤگان، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور: تصویرگری در ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت، اسلام) / تألیف مؤگان عباسی
مشخصات نشر: تهران: نشر تعالی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۱۵۰ص: مصور (بخشی رنگی).
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۷۶-۶-۶-۶ ریال: ۱۲۰۰۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابخانه: ص. ۱۴۹-۱۴۲
موضوع: هنر یهود
موضوع: هنر مسیحی و مسیولیسم
موضوع: هنر اسلامی
موضوع: هنر تطبیقی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۷۴۱۵/ع۲ ۷۴۱۵
رده بندی دیویی: ۷۰۴۰/۳۹۲۴
شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۸۶۱۱۹

نشر تعالی
Taali Publishing

نام کتاب: تصویرگری در ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت، اسلام)

تألیف: مؤگان عباسی

مدیر هنری: جعفر خدادی

ناشر: تعالی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۷۶-۶-۶-۶

نشانی پست الکترونیک: taalibook@yahoo.com

نشانی اینترنتی: www.taalibook.com

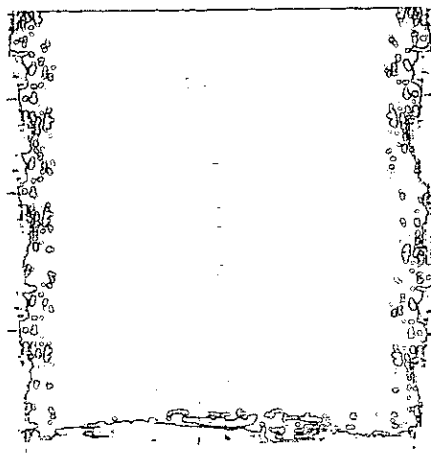
نشانی مرکز بخش: تهران میدان انقلاب، ابتدای جماله زاده شمالی، کوچه معینی،

نیش کوچه صالحی، پلاک ۴

تلفن: ۰۹۱۲۲۰۲۷۴۲۵

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر برای انتشارات تعالی محفوظ است.



پیش گفتار

در بین ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت، اسلام)؛ دین یهودی، بزرگترین و بیشترین مقاومت را نسبت به تصویر نشان داده است. چه منع تصویری در کتاب آسمانی این دین به صراحت آورده شده است. بنابراین، شاید بران گفتنگاهی که در ادیان پس از یهودیت، به تصویر وجود داشته، از آموزه‌های این دین برگرفته شده است. در این کتاب تلاش گردیده، که بین تصویر و تحریم آن در این سه دین ابراهیمی، مقایسه‌ای مورد نظر صورت گیرد.

نخست، تاریخچه‌ای مختصر از پیدایش این سه دین، به خصوص مسیحیت و اسلام ارائه شده و در ادامه، تصویر و تصویرگری، در این ادیان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس، به این سؤال پاسخ داده می‌شود، که اصولاً تحریم تصویری چیست؟ اگر بر این بیان منع تصویری وجود داشته است، ریشه‌های آن از کجاست و دلایل این منع چه بوده است.

هنر تصویری در دنیای مسیحیت، بیشتر در شمایل‌های قدسین نمود پیدا کرده است. زمانی که شمایل، وارد هنر مسیحی شد؛ با آرای موافق و مخالف مختلفی روبرو گشت. در اثر برخورد این آراء، چندین دوره‌ی شمایل‌شکنی در مسیحیت به وجود آمد، که مهم‌ترین آن، شمایل‌شکنی بیزانس است که یک قرن به طول انجامید. دلایل ظهور این جنبش، از مباحثی است، که در این کتاب به آن اشاره شده است. به دلیل هم‌زمانی تاریخی این جنبش و پیدایش اسلام؛ سؤال کلیدی این است که، آیا رابطه‌ای بین شمایل‌شکنی بیزانس و آنچه که به نام تحریم تصویری در اسلام وارده شده است، می‌توان پیدا کرد؟

با نگاهی به تاریخ، مشخص می‌شود که تمدن‌های گوناگون و فرهنگ‌های مختلف، با هم آمیزی و در کنار هم قرار گرفتن، می‌توانند تأثیرات متقابلی بر یکدیگر داشته باشند. مسلم است که پیروان دین مبین اسلام نیز از این تأثیرات بی‌بهره نبوده‌اند. در دوران خلفای راشدین و پس از آن، با لشکرکشی‌های متعددی که به خارج از شبه جزیره عربستان صورت گرفته بود؛ به طور حتم، مسلمانان از فرهنگ‌های ملل مختلف بهره برده‌اند و البته نفوذ مسلمانان در سایر کشورها نیز، بی‌تأثیر نبوده است. در واقع، تبادل اطلاعاتی در زمینه‌های مختلف از جمله هنر، بین دنیای اسلام و پیرامون آن همواره وجود داشته است. یکی از این تبادلات، در حیطه‌ی تصویر و تصویرگری بوده است. در این جا نیز سؤال دیگری مطرح می‌شود، که اصولاً اعراب پیش از اسلام، دارای هنر تصویری بوده‌اند؟ اگر جواب مثبت است، این هنر نزد آنان چگونه بوده است؟ و اگر پاسخ منفی است، دلایل نبودن تصویری چیست؟ و پس از ظهور اسلام، موضع این دین در برابر هنر تصویری به چه سمتی بوده است؟

درباره هنر اسلامی، در مسیحیت پژوهش‌های گوناگونی در دنیا انجام گرفته است. منتقدان بزرگی از جمله الگ گریس، کینگه‌اوزن، ژرژ مارسه، ثروت عکاشه، تیتوس بورکه‌مارت، سید حسین نصر و بسیاری دیگر از استادان، تحقیقاتی در این راستا انجام داده‌اند. ممکن است این متفکران در بین تحقیقات خود نظریاتی هم در ارتباط با جنبش شمایل‌شکنی و مقایسه آن با تحریم تصویری، ارائه داده باشند؛ اما پژوهش‌های خاص که صرفاً در این حوزه باشد، وجود ندارد. لذا نگارنده، برای تألیف این کتاب، از منابع کتابخانه‌های ملی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان میراث فرهنگی، دانشگاه هنر و دانشگاه تهران استفاده کرده و برای نتیجه‌گیری بهتر، مراجعاتی نیز به دفاتر آیات عظام مکارم شیرازی، آیت‌اللهی داشته و از محضر برخی از بزرگان اقلیت‌های مذهبی، همچون دکتر حمامی از انجمن تعلیمات ایران و همچنین شوهرای خلیفه‌گری ارامنه ایران بهره فراوان برده است، که بدینوسیله از کتاب‌های همه این عزیزان کمال امتنان را دارد.

لازم به توضیح است، که این کتاب از چهار فصل، هنر دینی، مسیحیت، اسلام و مقایسه جنبش شمایل‌شکنی بیزانس و تحریم تصویری در اسلام، تشکیل شده است.

در فصل اول، تعاریفی از دین و هنر و ارتباط این دو با یکدیگر ارائه شده و در ادامه به چند نمونه از هنر ادیان اشاره شده است. هدف از این فصل، این بوده که بدانیم، برخی از ادیان در آثار هنری خود از تصویر استفاده کرده و کاربرد تصویر در هنر برخی دیگر، یا وجود ندارد و یا اگر وجود دارد، محدود و تغییر شکل یافته است.

از آن جا که بدون اطلاع داشتن از زمینه‌های پیدایش ادیان، نمی‌توان به آسانی آن دین را مورد بررسی قرار داد؛ در فصل دوم با بستر ظهور دنیای مسیحیت آشنا می‌شویم و پس از آن به

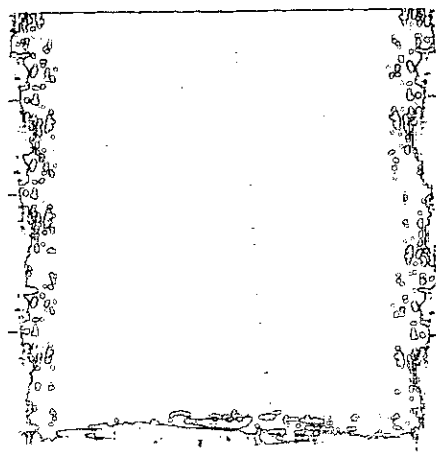
قرون نخست این دین و هنر آن و در ادامه به امپراتوری روم شرقی (بیزانس) و هنرهای آن دوره، پرداخته می‌شود. موضوع مهم این دوره، شمایل و به تبع آن شمایل پرستی و شمایل شکنی است؛ که سعی شده است، به زبانی گویا و ساده توضیح داده شود. فصل سوم این کتاب، به تاریخ اسلام و هنرهای آن می‌پردازد. برای شناخت اسلام، شناخت زندگی و هنر اعراب پیش از اسلام، مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در مبحث هنر اسلامی به تصویر و تحریم آن پرداخته خواهد شد.

در کتاب اصلی این کتاب را در فصل چهارم می‌توان پیگیری کرد، فصلی تحت عنوان "مقایسه شمایل شکنی بیزانس با تحریم تصویری در اسلام". در این فصل، دو واژه‌ی کلیدی "تجسم" و "وحی" که به نظر نگارنده، اساس پیدایش هنر در مسیحیت و اسلام هستند، بررسی می‌شوند و در ادامه، تفاوت شمایل شکنی مسیحیت و تحریم تصویری در اسلام آورده می‌شود.

سعی بر این بوده است که این کتاب، جامع و کامل و البته گویا باشد. در این راستا، سه دین ابراهیمی و تمدن‌هایی که یونان، روم و مصر مورد مطالعه قرار گرفت. با توجه به گستردگی مطالب و محدودیت‌های موجود، تصمیم نمودن این کتاب کاری بس دشوار بود، که امیدوارم به این مهم دست یافته باشم. به هر حال بدیهی است که، نظرات خوانندگان فرهیخته این کتاب، موجب غنای بیشتر این اثر در چاپ‌های بعدی خواهد بود.

مژگان عباسی

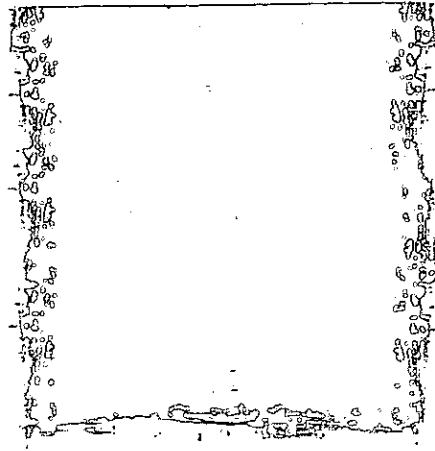
مستان ۱۳۹۲



فهرست مطالب

۹۰		مقدمه
۱۳		فصل اول: هنر دینی
۱۴		دین
۱۶		هنر
۱۹		رابطه دین و هنر
۲۰		هنر ادیان
۳۷		فصل دوم: مسیحیت
۳۸		پیدایش مسیحیت
۴۲		مسیحیت در قرون اولیه
۴۴		هنر آغازین مسیحی
۴۸		بیزانس
۵۱		هنر بیزانس
۵۷		شمالی
۶۱		شمالی پرستی
۶۵		شمالی شکنی
۶۹		دلایل شمالی شکنی
۷۳		فصل سوم: اسلام
۷۴		اعراب پیش از اسلام
۷۸		هنر اعراب پیش از اسلام
۸۱		ظهور اسلام
۸۲		هنر اسلامی
۹۳		پیشینه تصویر
۹۵		تحریم تصویری در اسلام
۱۰۵		فصل چهارم: مقایسه شمالی شکنی مسیحی با تحریم تصویری در اسلام

۱۰۶.....	تجسم.....
۱۱۳.....	وحی.....
۱۱۶.....	بستر فکری مسیحیت و اسلام.....
۱۲۱.....	مقایسه شمایل‌شکنی با تحریم تصویری.....
۱۲۷.....	نتیجه‌گیری.....
۱۳۵.....	فهرست منابع.....
۱۳۶.....	فهرست منابع تصویری.....
۱۴۰.....	فهرست منابع فارسی.....
۱۴۴.....	فهرست منابع انگلیسی.....
۱۴۶.....	فهرست منابع عربی.....



مقدمه

با تأمل درباره‌ی هستی و زندگی‌اش، به این نکته می‌رسیم که زندگی انسان سراسر تجربه است؛ تجربه‌ی وجود و هستی؛ آثار در قالب و ماهیت‌های گوناگونی بروز و ظهور پیدا می‌کند. در بین تمام تجربیات بشری، دو اصل عمده وجود دارد که تا حدی می‌توان در میان اغلب انسان‌ها، مشترک دانست. یکی تجربه‌ی وحی، که در قالب دین بروز می‌کند و دیگری تجربه‌ی زیبایی‌شناسی، که هنر را برای انسان سرمدی و بی‌پایان می‌آورد. از بدو آفرینش انسان تا به امروز، همواره تجربه‌ی زیبایی‌شناسی، همراه آدم بوده است. چنان‌چه حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى الرَّسْمَ عَلَى عَبْدِهِ:

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد

و دوست دارد که نمود نعمتش را در بنده‌اش ببیند

(بغفری، بی‌نا، ص ۱۰۳)

انسان، به نمودها و جلوه‌های هستی، از آن نظر که زیبا هستند، تعلق دارد. این تعلق، انسان همواره به دنبال تسخیر و تقطیع هستی و ترکیب آن در یک قالب زیبا بوده است. تاریخ بشریت، حکایت از آن دارد که انسان‌های اولیه، اولین تجربه‌ی زیباشناختی را با نقاشی کردن در دیوارهای غار نمایان ساخته‌اند.

از طرفی دیگر، از آن جا که، انسان دارای بعدی روحانی است؛ همواره به دنبال تعالی و استعلا است. این تجربه تعالی‌جویی، وقتی که تحت مدیریت ذات اقدس خدایی قرار می‌گیرد، جهت و معنای مشخصی را می‌یابد. از این طریق انسان، دست به تجربه‌هایی می‌زند که زمینه و غایت آن معین است. یکی از راه‌های رسیدن به تعالی، تجربه‌ی وحیانی است، که می‌توان آن را دین

نامید. این تجربه، با انسان بودن انسان، گره خورده است. یعنی دین ورزی انسان، جزء ویژگی ذاتی اوست. البته تجربه های تعالی جویی غیر دینی نیز وجود دارد، که مورد بحث نمی باشد. حال پرسش این است که، آیا امکان ارتباط بین این دو تجربه وجود دارد؟ اگر این ارتباط باشد، به چه نحوی است؟

یک اعتقاد، مبتنی بر جدایی هنر و دین از یکدیگر است. زیرا که ذات یکی، تجربه ی ذوقی انسان و دیگری، تجربه ی وحی اوست. اعتقاد دیگری نیز وجود دارد، که هنر و دین را دارای رابطه متقابل با یکدیگر می داند. دین، که یک تجربه ی معناگرایانه و تعالی جویانه است، می تواند بر آرائه و، صورتی را اختیار کند، که حس زیبایی شناسی انسان را تحریک کند. در نتیجه این تحریک، هنر دینی، تحقق پیدا می کند (اکبری دیزگا، ۱۳۸۶). هنر، مبادی و اصول و ارزش های خویش را از جهان بینی فرهنگ حاکم بر جامعه و یا به عبارتی، از باورهای هنرمند می گیرد و دین با جامعیت خویش و تسلطی که بر جسم و روان انسان دارد، مناسب ترین منبع تغذیه معنوی و روحانی هنر است (قنبره، ۱۳۸۷).

هنر دینی، ژرف بینی، از حقیقت است. در این نگرش، اولین هنرمند، خداست و زیباترین هنر او، خلق انسان کامل است. در هیچ خلق زیبایی هاست. چنان چه در قرآن کریم می فرماید:

هُوَ اللَّهُ الَّذِي يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ يَخْتَارُ ۚ لَا يُدْرِكُهُ الْبَصَرُ ۚ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

اوست خالق آفریننده ی عالم، نازنده ی صورت خالقان.

(سوره عن، آیه ۲۴)

این زیبایی در آیاتی دیگر نیز آمده است.

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»

قطعاً ما انسان را در بهترین ترکیب و تقویم

اعضاء و اجزاء برپا دارنده ی او آفریدیم.

(سوره عن، آیه ۴)

و یا می فرماید:

«وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ»

و صورت شما را کشید و این صورتگری را زیبا

و نیکو انجام داد.

(سوره تنابن، آیه ۳ و سوره غافر، آیه ۶۴)

و زمانی که زیباترین آفریده ی خداوند، یعنی انسان خلق شد، ایزد متعال از روح خود در او

دمید.

نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي.

از این آیات، دیدگاه خداگونگی انسان، در اسلام به وضوح استنباط می‌گردد.

از نظر یهودیت و مسیحیت نیز، پروردگار، والاترین معنای واژه‌ی هنرمند است. زیرا انسان را به صورت خود آفریده است. چنان‌چه در عهد عتیق، آمده است: «خداوند، آدم را به شکل خود آفرید.» (سفر پیدایش، باب اول، آیه ۲۷)

اما این خداگونگی، در ادیان ابراهیمی یکسان تلقی نشده است. در اسلام، منظور از این شباهت، شباهتی کیفی و معنایی است. در صورتی که در مسیحیت، شباهت به صورت اقتنایم سه‌گانه ظهور می‌کند. با توجه به این اعتقاد، هنر دینی مسیحی بر اساس تجسم خدا (پدر)، در وجود عیسی (پسر) به عنوان تصویر پدر و به واسطه‌ی روح القدس تکوین یافت. با این تفسیر که خداوند به صورت انسان درآمد، تا آن که انسان، چون موجودی که بنا بر صورت الهی خلق شده، تعالی پیدا کند و ربوبی را بداند. از این جاست، که متفکران جامعه‌ی مسیحی، در هنر مقدس مسیحی به خصوص در سبک‌های تجلی حقیقتی و رای جهان‌خاکی و زمان‌فانی را مشاهده می‌کردند. بنابراین، هنرمند مسیحی با الهام‌بخشی، می‌خواست از ورای پرده‌ی حجاب، حقیقتی باطنی و متعالی را به تصویر کشد. چنان‌که همه‌ی اشیاء جهان، تجلی و ظهوری از آن حقیقت مطلق است؛ اثر هنرمند نیز چنین است (مدبر، ۱۳۸۶).

اما در اسلام، صنع الهی بیش از همه، بیز غارت است از تجلی وحدت الهی در زیبایی و نظم کیهان. در واقع در هماهنگی متکثر، و به تعبیری، وحدت‌گرای هنر اسلامی، روح را یاری می‌دهد، تا از کثرت آشفتگی‌بخش چیزها، قطع علاقه کند و به سوی وحدت نامتناهی روی آورد و در نهایت به کمال الهی دست یابد. از آن جا که تصویر، انسان را به حدود جسمانی‌اش تقلیل می‌دهد و او را از هدف اصلیش که همانا وحدت الهی است، برمی‌دارد. این را با حذف تصویر بشری، لااقل در قلمرو دین، هنر اسلامی به انسان کمک می‌کند، تا کاملاً خدای کمال‌جویش باشد. اصل توحید و وحدانیت در اسلام، به معنای ردِ همانندی هر چیزی با خداوند است. از این رو هنرمند اسلامی با ردِ این همانندی، به تصویر‌گری نمادین روی آورده است. بنابراین، چنانچه کاپادونا محقق معاصر می‌گوید: نگرش‌های دینی به تصویر را، به صورت شمایل‌ی، غیرشمایل‌ی و یا شمایل‌شکنانه. می‌توان تقسیم کرد. نگرش شمایل‌ی، طرفدار کاربرد تصویر است و تصویر را مبتنی بر واقعیتی قابل مشاهده و شناخته شده، تفسیر می‌کند. نمونه‌ی خوب این نگرش، تصویر‌گری شمایل‌های مقدس، در مسیحیت است.

نگرش غیرشمایل‌ی نیز طرفدار کاربرد تصاویر است، ولی آن‌ها را تصویر‌گری نمادین از واقعیت مقدس تفسیر می‌کند. در این نگرش، از بازنمایی پیکر انسانی و حیوانی پرهیز می‌شود و در عوض از نمادگرایی رمزآمیز بهره می‌گیرد. نمونه‌های آن را در بسیاری از صورت‌های انتزاعی رب‌النوع هندو مانند ویشنو، که به صورت چرخ، نمایان شده است و یا نمادگرایی هندسی در

تزئینات اماکن مقدس اسلامی، می‌توان پیدا کرد.

دیدگاه دیگر، نگرش شمایل‌شکنانه است، که کلاً نقش تصویر، به ویژه تصاویر مقدس را نفی می‌کند و در شکل افراطی‌اش، می‌کوشد همه‌ی این گونه تصاویر را از بین ببرد. برای مثال می‌توان به نهضت شمایل‌شکنی بیزانس، اشاره، کرد. (Cappadona, 1998)

حال می‌توانیم تفاوت اصلی و اساسی تصویر و تصویرگری را در مسیحیت و اسلام دریابیم. این که هنر تصویری در مسیحیت، مبتنی بر شمایل‌نگاری است ولی در اسلام، نگرش به هنر تصویر، اصلاً غیرشمایلی است. در این نوشتار، تلاش گردیده که به بررسی این تفاوت بنیادین پرداخته شود.

www.ketab.ir